



امام مهدی (عج) محقق کننده نظام اجتماعی عدالت گستر

امام مهدی (عج) بشارت دهنده و دعوت کننده به نظام اجتماعی بهتر است؛ نظامی که عدالت را بگستراند، برای همه قابلیت‌ها و توانایی‌ها فرصت ایجاد کند و انسان را به پیشرفت بیشتر سوق دهد.

امام مهدی (عج) بشارت دهنده و دعوت کننده به نظام اجتماعی بهتر است؛ نظامی که عدالت را بگستراند، برای همه قابلیت‌ها و توانایی‌ها فرصت ایجاد کند و انسان را به پیشرفت بیشتر سوق دهد.

به گزارش خبرنگار مهر، فردا پانزدهم شعبان سالروز میلاد امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف است. امام موسی صدر رهبر شیعیان لبنان که پس از درگذشت علامه سیدعبدالحسین شرف الدین، رهبری دینی و اجتماعی مردم صور و پس از آن شیعیان لبنان را برعهده گرفت در مقاطع گوناگون و با استفاده از فرصت مناسبت های دینی و آئینی تلاش می کرد ضمن آشنایی طبقات مختلف مردم شیعه لبنانی با اعتقادات دینی و مذهبی، یاری کننده آنها در موج های سنگین تبلیغاتی ادیان و مذاهب دیگر باشد. یکی از مناسبت هایی که امام موسی صدر اهتمام جدی به گرامیداشت آن داشت، اعیاد اسلامی بود. آنچه در ادامه می خوانید، سخنان امام موسی صدر درباره حضرت مهدی (عج) است. این سخنان در کتاب مسیره الامام موسی صدر، جلد ۱۱، صفحه ۲۳۳-۲۳۶ آمده است:

میلاد حضرت صاحب الزمان (ع) ما را به تفکر درباره این پدیده [ظهور منجی] که شیعه در طول تاریخ آن را حفظ کرده است، وامی دارد می &rlm دارد. این پدیده یک تفکر شیعی محض نیست، بلکه تفکری اسلامی و باور همه مؤمنان و همه انسان &rlm ها است.

امام زمان در باور و عقیده ما همان محمد بن حسن عسکری (ع)، دوازدهمین امام از امامان شیعه است که متولد گردیده است. ایشان پس از شهادت پدرش امامت را به دوش گرفت و بر جنازه پدر نماز خواند و از دیده &rlm ها غایب شد.

امام زمان دو غیبت دارند: غیبت صغری که هفتاد و چهار سال طول کشید؛ یعنی وقتی عمر آن حضرت به هفتاد و چهار سالگی رسید، غیبت صغری پایان یافت. در دوران غیبت کبری شخصی که او را «نایب» می &rlm نامیدند با مردم در ارتباط بود و نامه هایی را از مردم به امام و از امام به مردم می رساند. این نایب &rlm ها چهار نفر بودند که در تاریخ مشهور هستند و مسلماً درباره آن ها مطالبی خوانده اید: عثمان بن سعید عمری، حسین بن روح، محمد بن عثمان و علی بن محمد سمري. این افراد معروف بودند و هرچند داناترین مردم نبودند ولی داناترین علما در برابر آن ها تواضع می &rlm کردند. مثلاً کلینی عالم بزرگ شیعه در برابر کسی که از نظر علمی پایین &rlm تر از او بود [با احترام] می &rlm ایستاد، زیرا او با امام در ارتباط بود.

در دوران غیبت صغری ارتباط مردم با امام به واسطه نواب چهارگانه انجام می &rlm شد تا این که نامه ای از سوی امام رسید و آغاز غیبت کبری اعلام شد. پس از آن، امام صاحب الزمان غایب شد تا وقتی که خداوند سبحان به او اجازه ظهور دهد.

درباره این تفکر پرسش های مهمی مطرح است که دوست دارم به طور کوتاه به آن ها اشاره کنم.

اولاً: آیا معقول است در این زمان انسانی هزار و صد سال عمر داشته باشد و بعدها بخواهد ظهور کند؟ به ویژه با توجه به اینکه می &rlm دانیم انسان عادی در این عصر بیش از صد یا صد و دو سال عمر نمی &rlm کند.

ثانیاً: امام غایب و ناپیدا چه نقش و تأثیری دارد؟ و ایمان به امام غایب در تاریخ ما چه نقشی ایفا کرده است؟

ثالثاً: اساس و شالوده دکتترین مهدویت (امام غایب) چیست؟ جنبه عمومی و ایدئولوژیکی آن کدام است؟ جنبه فردی آن چیست؟

رابعاً: دلیل شرعی بر این تفکر چیست؟

در واقع الآن احساس کردم که این بحث شاخه های بسیاری پیدا کرد و طولانی شد، ولی تا آنجا که ممکن باشد، درباره آن صحبت خواهیم کرد.

بحث امام غایب یا ظهور مهدی، یا ظهور حجت یا رهایی &rlm بخش یک بحث دیرینه است. همه ادیان، همه ستمدیدگان و همه

مؤمنان در انتظار کسی بوده اند و از نظر تاریخی این امر روشن است.

در حدیث آمده است: «کیف بکم إذا فسدت نساؤکم و فسق شبابکم؟ قالوا أویکون ذلک یا رسول الله؟ قال: بلی، شر منه، کیف بکم إذا اصبح لדיکم المنکر معروفاً و المعروف منکر؟ فعند ذلک ترقبوا رجلاً من ذریتی یوافق اسمہ اسمی، یملاً الله به الأرض قسطاً و عدلاً بعد ما ملئت ظلماً و جوراً؛ چگونه خواهید بود آن گاه که زنانتان فاسد و جوانانتان فاسق شوند؟ گفتند: آیا این گونه خواهد شدای رسول خدا؟ فرمود: آری و بلکه بدتر از آن، چگونه خواهید بود آنگاه که برای شما بدی، خوبی شود و خوبی، بدی؟ آن هنگام منتظر مردی از فرزندان من باشید که نام او همانند نام من است و خداوند به واسطه او زمین را پر از عدل و داد می کند، پس از آن که پر از ظلم و ستم شده است.»

این حقیقت در کتاب های آسمانی تورات و انجیل و چندین آیه از قرآن آمده است:

«وَلَقَدْ كَتَبْنَا فِي الزَّبُورِ مِنْ بَعْدِ الذِّكْرِ أَنَّ الْأَرْضَ يَرثُهَا عِبَادِيَ الصَّالِحُونَ؛ و در حقیقت در زبور پس از تورات نوشتیم که زمین را بندگان شایسته ما به ارث خواهند برد.» [انبیاء، ۱۰۵]

«وَعَدَ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا مِنْكُمْ وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَيَسْتَخْلِفَنَّهُمْ فِي الْأَرْضِ كَمَا اسْتَخْلَفَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ وَلَيُمَكِّنَنَّ لَهُمْ دِينَهُمُ الَّذِي ارْتَضَى لَهُمْ وَلَيُبَدِّلَنَّهُمْ مِنْ بَعْدِ حَوْفِهِمْ أُمَّتًا يُعْبُدُونَنِي لَا يُشْرِكُونَ بِي شَيْئًا؛ خدا به کسانی از شما که ایمان آورده و کارهای شایسته کرده اند، وعده داده است که حتماً آنان را در این سرزمین جانشین [خود] قرار دهد؛ همان گونه که کسانی را که پیش از آنان بودند جانشین [خود] قرار داد، و آن دینی را که برایشان پسندیده است به سودشان مستقر کند و بیمشان را به ایمنی مبدل گرداند، [تا] مرا عبادت کنند و چیزی را با من شریک نگردانند.» [نور، ۵۵]

«وَتَرِيدُ أَنْ تَمَنَّ عَلَى الَّذِينَ اسْتُضِعِفُوا فِي الْأَرْضِ وَتَجْعَلَهُمْ أُيْمَةً وَتَجْعَلَهُمُ الْوَارِثِينَ؛ و خواستیم بر کسانی که در آن سرزمین فرودست شده بودند منت نهیم و آنان را پیشوایان [مردم] گردانیم و ایشان را وارث [زمین] کنیم.» [قصص، ۵]

«يَوْمَ تَطُوى السَّمَاءُ كَطَيِّ السَّجِلِّ لِلْكُتُبِ؛ روزی که آسمان را همچون در پیچیدن صفحه نامه می کند؛ [انبیاء، ۱۰۴] که این آیه بر وجود آینده ای درخشان تأکید می کند.»

یهودیان، مسیحیان و مسلمانان همگی در انتظار این رهایی می هستند و در روایات مسلمانان از شیعه و سنی صدها و بلکه هزاران روایت بیانگر آن است که انسانی خواهد آمد. جزئیات آن چیست؟ جزئیات ذکر نشده است.

در تاریخ اسلام ده ها نفر ادعای مهدویت کرده اند، از جمله محمد بن عبدالله و منصور دوانیقی که در ابتدا خود را مهدی خواند. یا مهدی سودانی که از فرقه ختمیه که معتقد بودند مهدی به همان شکلی است که مهدی سودانی بوده است. یعنی در تاریخ اسلام یک چیز ثابت وجود دارد: یک روز، یک انتظار، یک گشایش، یک رهایی.

این میراث دینی، یک میراث اسلامی و شیعی است و تاریخ نشان می دهد که این میراث دیرینه است. گذشته از آن که هر انسانی در دایره زندگی خود به سوی ایجاد زندگی بهتر تلاش می کند و باور دارد که رسیدن به وضعیت بهتر امکان پذیر است. مثلاً امروزه جهان به دنبال درمان سرطان است. چقدر در این راه هزینه می کند؟ صدها میلیون و بلکه میلیاردها.

دانشمندان در حال انجام پژوهش هایی برای پیدا کردن درمان سرطان هستند. آیا این تلاش نشانه آن نیست که همه مردم بر این باورند که این بیماری راه درمان دارد. اگر می دانستند که درمانی ندارد به دنبال آن نمی گشتند. هر دانشمندی در جستجوی درمانی برای بیماری ها، و نظامی بهتر و راه حلی برای هر مشکلی از جمله مشکلات اجتماعی است. هر فردی و هر دانشمندی و هر کارشناسی در حال حرکت و در درون خود به دنبال فردایی بهتر است.

فردای بهتر در فطرت انسان قرار دارد و مهدی (عج) بشارت دهنده و دعوت کننده به نظام اجتماعی بهتر است؛ نظامی که عدالت را بگستراند، برای همه قابلیت می دهد و توانایی می دهد؛ ها فرصت ایجاد کند و انسان را به پیشرفت بیشتر در زمینه دانش و صنعت وhellip سوق دهد و در یک کلام، سعادت مطلوب بشری را که نیازمند یک نظام اجتماعی است، فراهم کند. مهدی (عج) به چنین نظامی بشارت می دهد.

این تفکر در فطرت مردم جا دارد و ما معتقدیم و از روایات نیز برمی آید که مهدی (عج) جامعه ای تأسیس می کند که هر انسانی در آن با خوشبختی و آسایش و عدالت زندگی خواهد کرد و بنابر یک تعبیر ادبی و مجازی، گرگ و گوسفند از یک جا

آب می rlm& نوشند. این تعبیر به معنای عدالت فراگیر و عدم تجاوز است.

در آن جامعه مال و ثروت ملاک نیست، و اعتماد حاکم است. نقش مال تنها مبادله کالا با کالا است ولی به طور مؤجل. هر انسانی به اندازه نیاز خود [از جامعه] بهره می rlm& گیرد و به اندازه توانایی خود به جامعه خدمت می rlm& کند. چنین نظامی، نظام آرمانی است. بنابراین ما معتقدیم مهدی کسی است که ما را به این نظام یعنی بهشت دنیا و بهترین وضعیتی که انسان بر روی زمین می تواند داشته باشد، بشارت می rlm& دهد. این نظام مهدی (عج) است.

در تاریخ شیعه، مهدی (عج) سه نقش تاریخی داشته است:

اول: انتظار به معنای امید

شیعه دوران پر ستم و دشواری را پشت سر گذاشته است. از اجدادتان پرسید! حتی مجالس حسینی را نیز پنهانی برگزار می rlm& کردند و همواره نگران آزار و اذیت حاکمان و نظارت آنان بودند. اگر امید گشایش وجود نداشت، طایفه ما در اثر فشار سنگینی که بر او وارد می rlm& شد، از بین می rlm& رفت؛ چراکه انسان هنگام ناامیدی از پا درمی rlm& آید و تسلیم می rlm& شود و بسیاری از مردم سقوط کرده اند و از پا در آمده اند. اندیشه مهدویت همواره به مردم می rlm& گفت: روز نجات و رهایی وجود دارد، حتی اگر از عمر جهان یک روز بیشتر نمانده باشد. این نگرش در ما امید به وجود آورد و در اثر آن به رغم وجود ستم های فراوان از پا درنیامدیم و ستمدیدگان جهان نیز از پا در نیامدند.

دوم: آمادگی، یعنی انتظار و آمادگی

اگر شما بگویید ساعت دو منتظر تو هستیم تا به سفر برویم، سپس ساعت دو بیاید و ببینید من هنوز در رختخواب هستم و می rlm& خواهم به حمام بروم و لباس بپوشم و hellip; در این صورت روشن می rlm& شود که من منتظر شما نبوده ام، چطور می rlm& شود در رختخواب منتظر بود؟! انتظار به این است که آماده باشم و همه کارهای مزبور را انجام داده و منتظر ایستاده باشم تا به مجرد آن که آمدید سفر را آغاز کنیم.

آمادگی پدران ما در طول تاریخ معنایش همین انتظار است. چندین بار برایتان گفته ام که پدران ما آماده بوده اند. به یاد دارم وقتی کودک بودم، در خراسان که از اینجا بسیار دور است روزی به انبار خانه رفتم و شمشیر بزرگی دیدم. از پدرم که یک روحانی بود، پرسیدم این چیست؟ گفت: شمشیری است تا وقتی ندا داده شد به آن پاسخ گویم. او آماده بود.

این میراث هر فردی است که می rlm& خواهد آماده باشد، باید آموزش دیده و آماده و قوی و مجهز باشیم. بنابراین انتظار نقش آماده rlm& سازی و تمرین روحی و فکری و جسمی و نظامی دارد.

سوم: نقش فقهی امام

فقها می rlm& گویند: وقتی در مسئله ای اجماع وجود داشته باشد، آن مسئله ثابت می rlm& شود و جزو امور مسلم در می rlm& آید. بنابراین، اگر امت منحرف شود یا اشتباه کند، امام نظری مخالف با رأی اکثریت می rlm& دهد و از این راه از تحقق اجماع بر یک مسئله اشتباه جلوگیری می rlm& کند.

این بحث مفصلی است که آن را [قاعده لطف] می rlm& نامند. یعنی امامی که غایب است شریعت را از انحراف حفظ می rlm& کند. این پاسخ پرسش اول بود، یعنی نقش اندیشه مهدویت در زندگی و تاریخ ما. به همین مقدار بسنده می rlm& کنیم.